جام جم

سینما
CULTURE
۵

پنجشنبه ■ ۱۶ مهر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۳۷

خبر

گنجینه فیلم‌های کوتاه ایرانی در جشنواره کوتاه تهران

منتخبی از فیلم‌ها و انیمیشن‌های کوتاه و تصحیح‌رنگ‌شده گنجینه فیلمخانه ملی ایران در قالب چند برنامه ویژه، در چهل‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌کوتاه‌تهران نمایش داده می‌شود. به‌گزارش جام‌جم، به نقل از انجمن سینمای جوانان ایران، در این دوره مجموعه‌ای از آثار کوتاه ایرانی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ با هدف مرور بخشی از تاریخ سینمای کوتاه کشور روی پرده می‌رود. در بخش انیمیشن‌های ایرانی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، شش اثر «زندگی» ساخته نصرت کریمی، «گل و بلبل» فریدون فرشباف، «ماهی طلایی» اسدالله کفافی، «بهترین دوست شما» و «ارزش هر چیز» دلارا رسولی و «نارنج و ترنج» اسفندیار احمدیه نمایش داده می‌شود. سه برنامه «چند فیلم کوتاه از فیلمسازان سینمای ایران» نیز آثاری از هژیر داریوش، منوچهر طیاب، احمد فاروقی قاجار، خسرو سینایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، حمید جبلی و دیگر فیلمسازان را دربرمی‌گیرد. همچنین منتخبی از آثار دوره گذشته جشنواره، شامل انیمیشن‌ها و فیلم‌های کوتاه‌فیلمسازانی چون اسفندیار احمدیه، جعفر تجارتچی و ابراهیم گلستان اکران خواهد شد. چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران به دبیری بهروز شعیبی، ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.

خاطره‌بازی در جشنواره چهل‌وسوم تهران؛
فیلم‌های کوتاه تصحیح رنگ شده
گنجینه فیلمخانه ملی مرور می‌شوند

پلک‌های پریشان خاطره‌ای از جنگ

کارگردان فیلم «پلک پریشان پروانه»: برای ساخت این کار نیازی به انگیزه نبود، چون جنگ همه ما را برانگیخته کرد

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

رهبر قنبری، کارگردان و تهیه‌کننده فیلم «پلک پریشان پروانه» که معمولا کم‌کار است، امسال با این اثر در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک‌ونوجوان حضور دارد. فیلم درباره یک استاد دانشگاه و همسرش است که با مشکل فرزندآوری مواجهند. در این میان، براثر حملات موشکی، منطقه‌ای تخریب می‌شود. مردم برای کمک می‌روند و در میان آوارها کودکی را پیدا می‌کنند. این زوج، او را به‌طور موقت به خانه می‌برند تا شرایط بازگشتش فراهم شود اما به‌تدریج میان آنها یک وابستگی عاطفی شکل می‌گیرد. آنها با تکیه بر عکسی از پدر کودک ـ که روزگاری پهلوان شهر بوده ـ در جست‌وجوی او برمی‌آیند.

فیلم روایتی اجتماعی از مفاهیمی مانند قهرمانی، جوانمردی، شرافت، نجابت، امانتداری، گذشت و ایثار است. لرزش پلک‌های این کودک، نشانه‌ای از اضطراب و تروماست؛ مسأله‌ای که فیلم در خلال زندگی او به تاثیرات پنهان جنگ بر کودکان و ضرورت توجه به وضعیت روحی آنان می‌پردازد. قنبری در گفت‌وگو با جام‌جم یادآوری می‌کند که این فیلم سفارش روح او به خودش بوده و موضوع جنگ و آسیب‌دیدن کودکان چیزی نیست که بتوانیم به‌راحتی از کنارش بگذریم. مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

درباره علت پرداختن به چنین موضوعی که هم با جنگ ارتباط دارد و هم موضوع فرزندآوری و کودکان در آن مطرح است کمی توضیح دهید. انگیزه شما از ساخت این فیلم چه بود؟

به‌هرحال همه ما تحت تاثیر موضوعات اخیر قرار گرفته‌ایم. خود جنگ به‌عنوان یک موضوع بسیار مهلک بشری و انسانی، برای همه ما بسیار سنگین است. تقریبا همه ما با شروع جنگ دچار نوعی خلأ روحی و روانی می‌شویم. حتی گاهی شادی‌های بی‌جهتی می‌کنیم تا جنگ را به فراموشی بسپاریم. شادی‌های اضافی در شرایطی که ضرورتی برای آن وجود ندارد، نشان‌دهنده نوعی پریشانی روان آدم‌هاست. در شرایط عادی ضرورتی ندارد که حتما شاد باشیم. بنابراین حتی شادی‌های تند هم نوعی تروما یا خلأ روحی و روانی انسان هستند. در واقع برای ساخت این کار نیازی به انگیزه نبود بلکه جنگ همه ما را برانگیخته کرده بود اما علت این‌که کودکان را محور کارم قرار دادم آن است که بزرگان جنگاور یا مردم عادی می‌میرند اما بچه‌ها می‌مانند بنابراین آنها با وحشت و خلأیی بزرگ و ترومایی عمیق تا پایان عمر مواجه خواهند بود. اینجا بود که احساس کردم نه به شکل سفارشی، بلکه از درون خودم موظفم به این موضوع بپردازم. این فیلم سفارش روح من به خودم بود. فکر کردم این موضوع برای تک‌تک انسان‌های جامعه‌ای که وجدان دارد، مهم است. شغل من فیلمسازی است و فکر کردم فیلمسازی می‌تواند راهی برای پرداختن به این مسأله باشد. کودکان به‌دلیل آن‌که بزرگان خود را در این جنگ‌ها از دست داده‌اند به‌عنوان انسان‌ها و بزرگسالان آینده، با یک عقده روانی بسیار بزرگ مواجه می‌شوند. این چیزی است که بچه‌ها در آینده رنج آن را باید تحمل کنند. اگر مراقب‌شان نباشیم، ممکن است از میان آنها آدم‌هایی تبهکار بیرون بیایند.

علت این‌که کودکان را محور کارم قرار دادم، آن است که بزرگان جنگاور یا مردم عادی می‌میرند؛ اما بچه‌ها می‌مانند. بنابراین آنها با وحشت و خلأیی بزرگ و ترومایی عمیق تا پایان عمر مواجه خواهند بود

در فیلم هم با کودکی مواجه هستیم که در چنین شرایطی قرار گرفته است.

بله، دقیقا. کودکی که می‌ماند و تربیت نمی‌شود، ممکن است در آینده مشکلات جدی داشته باشد. شخصیت‌های فیلم من هم ازجمله کسانی هستند که دوست دارند بچه‌دار شوند اما به‌دلیل شرایط موجود فعلا نمی‌توانند. آنها در یک شرایط وجدانی قرار می‌گیرند و مسئولیت نگهداری از بچه دیگری را قبول می‌کنند. از نکات مثبت ماجرا این است که زن و شوهر درمی‌یابند به این بچه توجه کافی نشده و مراقبت بیشتر می‌تواند نبوغ او را شکوفا کند. بعد می‌بینیم به دلیل مسائل اقتصادی رسیدگی لازم به این کودک نشده و چون این خانواده متمول هستند، مسائل تربیتی را هم در مورد او در نظر می‌گیرند. جالب است که این بچه ـ با نام ماهنی فردی انور ـ واقعا نابغه است و من خودم او را پیدا کردم.

مراحل ساخت فیلم پلک پریشان پروانه به چه صورت بود؟

من رفقایی بسیار حرفه‌ای دارم؛ از تصویربردار و صدابردار گرفته تا طراحی صحنه، گریم، اصلاح رنگ و آهنگساز. همه عوامل، بچه‌های حرفه‌ای و از بهترین‌های ایران بودند و با رحم و مروت و شفقت نسبت به من آمدند. تقریبا شرایط خیلی خوبی داشتیم و فیلم را ساختیم. فکر می‌کنم فیلم دیدنی شده است و امیدوارم همین‌طور باشد.

با توجه به آن‌که امسال حال‌وهوای جشنواره و برخی فیلم‌ها با فضای جنگ و کودکان میناب گره خورده، حدس می‌زنید استقبال از این فیلم چگونه باشد؟

طبیعی است نسبت به این واقعه که در حق کودکان اتفاق افتاده حساس باشم. من چیزی برای رسمیت‌بخشی ندارم و هیچ کرسی‌ای هم به من نخواهد رسید. من فیلمساز انگیزشی هستم و چیزی باید مرا برانگیخته کند تا کاری انجام دهم. من غالبا مستند می‌سازم تا زمانی که بالاخره چیزی قلقلکم بدهد یا اذیتم کند. آن وقت سینمایی می‌سازم. هیچ‌وقت هم سعی نکرده‌ام شخصیتم را سفارش‌پذیر کنم. من با فیلمم زندگی می‌کنم. از آنجاکه خودم محصول یک اجتماع هستم. بنابراین حتی اگر برای خودم کار کنم. چون روح من دست‌پرورده یک اجتماع است. فکر می‌کنم مهم‌ترین فیلم اجتماعی کشورم را ساخته‌ام. درد، رنج، اندوه، غم، شادی، شور و اشتیاق مردم انگار در روح من لانه کرده است. من به نوعی خودم را نماینده این احساسات می‌دانم. در لحظه‌ای که آنها را از روحم بیرون می‌ریزم، فکر می‌کنم متعلق به خود مردم است. بنابراین دیگر از این حرف‌های شعاری که «فیلم من را ببینید» ندارم. صاحب‌اختیار مردم هستند و من هم مخلص آنها. اگر فیلم را ببینند، خیلی شاد می‌شوم؛ به این دلیل که احساس می‌کنم یکی نسبت به داشته‌ها، درایت‌ها، فهم، عشق، شور و التهاب و درد و رنج آنها متعهد بوده، بدون این‌که شعار بدهد. انتخاب نام پلک پریشان به این دلیل است که تروما موجب پریدن پلک دختربچه فیلم می‌شود. این تروما پلکش را می‌لرزاند و شب نمی‌تواند بخوابد.

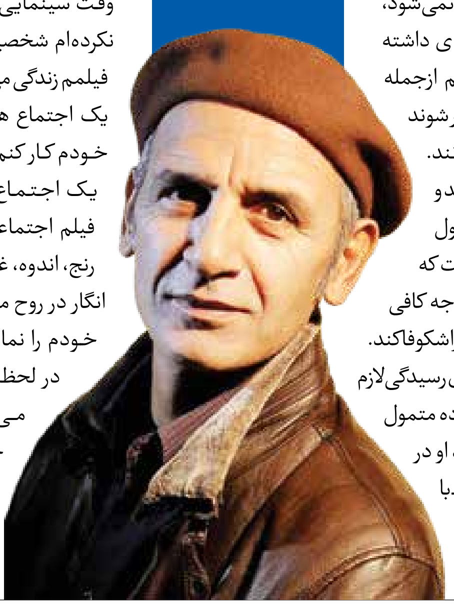

این روزها فیلمسازی به‌دلیل مشکلات اقتصادی بسیار سخت و دشوار شده. در چنین شرایطی ساخت فیلم کودک و تهیه‌کنندگی آن کار ساده‌ای نیست. درباره شرایط فیلمسازی برای کودکان کمی توضیح دهید.

اگر با ادبیات آشنا باشید، می‌دانید که شعر سروده نمی‌شود. سخنی آسمانی است که بازگو می‌گردد. من دوست دارم سینما هم همین‌طور باشد. سینمایی که من یا بعضی از دوستانم داریم، این‌گونه است. من تصویر چیزی را که دیگری در چشمم برجسته کرده با زحمت می‌سازم و پیش روی دیگران می‌گذارم. بعد از ۴۱ سال کار، درست نیست بگویم این فیلمنامه را در دو ماه، سه ماه، پنج ماه یا ۱۰ روزه نوشته‌ام. فیلمنامه یکباره در من حلول پیدا می‌کند. یعنی کامل به ذهنم می‌آید و فقط باید سرعت نوشتنم به اندازه زمان خواندنش شود. تابه‌حال میلیاردها تومان پول برای ساخت فیلمی کم‌مایه پیشنهاد دادند و قبول نکردم. چون مترصد فرصتی آسمانی برای فیلمسازی هستم. بسیاری از شعرها در همین جامعه هستند که سینمای آنها هم می‌تواند دل و جان آدم را ببرد.

چرا از بازیگران حرفه‌ای اما کمترشناخته‌شده استفاده کردید؟

هیچ‌کدام از بازیگران من شناخته‌شده نیستند. برای این‌که می‌خواهم بیننده با دیدن بازی آنها، خود کاراکتر را بپذیرد. من بازیگر ناشناخته را بیشتر قبول دارم. چون در ذهن مخاطب نسبت به آثار قبلی آن بازیگر پیشینه‌ای وجود ندارد. به همین دلیل در کمتر اثری از من بازیگران شناخته‌شده را می‌بینید. هر کسی هم که با فیلم‌های من حرفه‌ای شده باشد، دیگر هرگز نباید برای من بازی کند.

چقدر فیلترهای سختی برای انتخاب بازیگر دارید!

نمی‌خواهم اسم ببرم. خیلی از کسانی که بازیگران من بودند؛ از کوچه و خیابان، از دانشکده یا از یک انجمن نمایشی آمدند و جایزه فجر گرفتند. به‌طور معمول کسانی که پیدا کردم و آوردم، بعدها جایزه خارجی یا جوایز عالی داخلی گرفتند.

درباره حضور فیلم‌تان در جشنواره و فضای امسال صحبت کنید. امسال به‌واسطه اتفاقات مربوط به کودکان میناب، فضای غم‌انگیزی بر جشنواره حاکم شده است. درباره این موضوع هم کمی صحبت کنید.

واقعیت این است که در آیین‌های خود ما، سوگ و سور یکی است. سوگ به نظر می‌آید غم است و سور برای شادمانی. به‌عنوان مثال، اگر یک انسان ضاله دوروبرمان بمیرد حتی برای دفنش هم به قبرستان نمی‌رویم اما به‌طور معمول برای انسانی سوگوار می‌شویم که با پاکباختگی و شرافت از زندگی گذشته است. درواقع اشک ذوق می‌ریزیم که این دوست و رفیق ما، چه پاک به درگاه خدا رفته. زیبایی سوگ بسیار بیشتر از شادی است. چون در شادی از همان ابتدا به‌صورت رسمی اعلام شده که باید شاد باشیم اما بچه‌های میناب نه. اینجا اندیشمندانه‌تر برخورد می‌کنیم. بچه‌های میناب، مظلوم، پاک و معصومند. ظلمی که بر آنها رفته، برای انسان بسیار سنگین است. من همین الان که درباره آنها صحبت می‌کنم اشک می‌ریزم. یک شعر هم برای‌شان سرودم. این بچه‌ها را که دیدم، زار زار گریه کردم. یک شب اصلا حال نداشتم. بنابراین من از مردم بسیار خوب‌مان ممنونم که می‌بینم همه، در حد وسع و توان‌شان، این مظلومیت را بیان می‌کنند. آنچه می‌گویم هیچ ربطی به مسائل سیاسی ندارد بلکه موضوع کاملا انسانی است. به‌هرحال خیلی خوب است که اینها را پاس بداریم. باید حرمت بچه‌های‌مان را حفظ کنیم. هرچقدر به این مسائل بپردازیم، قلب‌های ما رقیق‌تر و بااحساس‌تر می‌شود. یک معرفت در این میان وجود دارد؛ معرفت به معنای شناخت، معارف عمیق و اخلاقیات عمیق بشری. خوب است یادی از این بچه‌ها کنیم و همیشه هم باید یادشان کنیم.

صحنه

«آرزوهای کوچک» روی صحنه تالار وحدت می‌رود

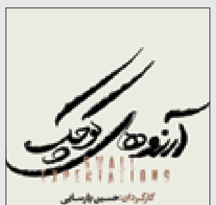

نمایش موزیکال «آرزوهای کوچک» به نویسندگی محمدرضا کوهستانی، کارگردانی حسین پارسایی و تهیه‌کنندگی سیدعماد عامری به‌زودی در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. غزل شاکری که پیش از این در آثار متعدد سینمایی، تلویزیونی و نمایش خانگی بازی کرده و تجربه نقش‌آفرینی در تئاتر را نیز دارد، در این اثر نمایشی نقش «خانوم» را ایفا می‌کند. در توضیح این نمایش آمده است: «قصه بچه‌های بی‌خانمان که به فردا امید دارند» و در این میان، روایتی انسانی و امیدبخش را دنبال می‌کند. اسامی دیگر بازیگران و زمان شروع اجراها به‌زودی اعلام می‌شود. پیش‌فروش اجراهای نخست از شنبه ۱۸ مهر ساعت ۱۲ ظهر در سایت آرت فیدیبو به نشانی art. fidibo. com آغاز می‌شود. تمامی درآمدهای این نمایش صرف امور نیکوکاری مربوط به کودکان می‌شود و در مسیر حمایت از آینده این گروه هزینه خواهد شد. هم‌اکنون پارسایی نمایش «سیاوش» را در فضای باز مجموعه ورزشی انقلاب اجرا می‌کند.

رویداد

«دایره گچی قفقازی» به نوفل‌لوشاتو می‌رود

نمایشنامه‌خوانی «دایره گچی قفقازی» به نویسندگی برتولت برشت، ترجمه حمید سمندریان و کارگردانی مرتضی صباحی، شنبه ۱۸ مهر ساعت ۲۲ در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه می‌رود. داوود نامور تهیه‌کنندگی این اثر را برعهده دارد و عباس شری‌زاده، علیرضا شریف، حسین موسوی، هاشم عیسی‌لو، زینب محی‌آبادی، پریسا داوودی، بهار سامعه، مسعود محمودی، فرشاد اسدی، دلارام شاکری، پاییز قربانی، علیرضا معتمد، آرین نایب‌الصدر، سحر کیلانی، فرهانه کلانتری، پگاه اشعری‌زاده و فردین کسه‌پور در آن به ایفای نقش می‌پردازند. سهیل سمیاری به‌عنوان سرپرست تیم کارگردانی و محمدحسین نوایی و نسترن زینلی عضو گروه کارگردانی این پروژه هستند. مشاور رسانه و روابط عمومی این نمایشنامه‌خوانی آرمان صادقی است. امیرعلی یگانه طراحی پوستر و مونا جعفری عکاسی اثر را برعهده دارند. دایره گچی قفقازی کاری از «قلمرو» ست که با محوریت پرسشی درباره مالکیت و تعلق، مخاطب را با این پرسش مواجه می‌کند: «زمین به نام کیست؟ آن‌که سند به نام دارد یا آن‌که پای زمین می‌ایستد؟»

تئاتر

نمایشنامه‌خوانی «حلقه ماه» در تئاتر شهر

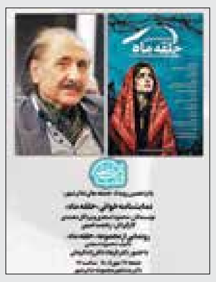

پانزدهمین رویداد «جمعه‌های تئاترشهر» جمعه ۱۷مهر با برگزاری جلسه نمایشنامه‌خوانی «حلقه ماه» به کارگردانی رحمت امینی و رونمایی از مجموعه نمایشنامه‌ای به همین نام، نوشته محمود اسعدی در تالار مشاهیر مجموعه تئاترشهر برگزار می‌شود. به‌گزارش جام‌جم به نقل از روابط عمومی مجموعه تئاترشهر، نمایشنامه‌خوانی «حلقه ماه» با حضور محمود اسعدی و پریا گل‌محمدی به‌عنوان نویسندگان و محمود اسعدی تهیه‌کننده اجرا خواهد شد. مهدی طهماسبی، پریا گل‌محمدی، یونس مشهدی و محمدامین عرب‌سالاری نیز گروه بازیگران این برنامه را تشکیل می‌دهند. این برنامه با حضور فرهاد ناظرزاده کرمانی نویسنده، مدرس، مترجم و پژوهشگر تئاتر و جمعی از هنرمندان برگزار می‌شود و همزمان از پروژه تألیفی حلقه ماه شامل نمایشنامه‌های حلقه ماه، تردید آسمانی و میزگرد رونمایی خواهد شد. جمعه‌های تئاترشهر از رویدادهای جنبی این مجموعه است که با برنامه‌هایی همچون نمایش فیلم‌تئاتر، رونمایی کتاب، نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و جلسات نمایشنامه‌خوانی برگزار می‌شود.

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر جواد ابوالقاسمی | استاد حوزه و دانشگاه

وحدت اسلامی؛ از مجادله احسن تا صیانت از حبل‌الله

براساس دستورات دینی، برخورد و مواجهه فکری با دیگر گروه‌های رقیب باید برپایه ترکیبی از مدارا، حسن معاشرت و جدال احسن باشد اما پرسش بنیادین این است که مراد از «دیگر گروه‌های رقیب» چیست؟ آیا مقصود گروه‌هایی است که درون امت اسلامی جای دارند و با وجود اختلاف در برخی مبانی، هدف کلی آنان با ما یکی است یا جریان‌هایی که با وجود ادعای اسلام، خارج از این دایره‌اند و جهت‌گیری و هدفی متفاوت دارند؟

روشن است اگر کسی یا گروهی خارج از دایره امت باشد و جهت‌گیری کلی او در تقابل با حبل‌الله قرار گیرد، نمی‌توان با او همان مناسبات را داشت. اینجاست که باید میان وحدت اسلامی و تلقی خاصی از «اسلام رحمانی» یا «اسلام صورتی» تفاوت نهاد. بنابراین، این گزاره که مواجهه فکری با رقبا باید بر پایه مجادله احسن و مدارا باشد، همیشگی و لزوما به‌معنای یکسان‌بودن شرایط در همه موقعیت‌ها نیست. گاهی وضعیت جنگی است و در میدان جنگ، اقتضائات دیگری حاکم است. در چنین میدانی، گاه باید به طرف مقابل گل داد و گاه به فرمان قرآن از ضرب‌الرقاب سخن گفت؛ گاه گل و گاه گلوله. آری، این میدان تعارف‌بردار نیست اما اگر کسی یا گروهی در دایره امت اسلامی قرار دارد و معیار این دایره، محوریت حبل‌الله باشد، تعامل با او باید برپایه مجادله احسن، مدارا و حسن معاشرت باشد. هر گروهی باید ضمن پایبندی به معتقدات خویش، با دیگران با متانت اخلاقی و ادب گفت‌وگو برخورد کند؛ و این بسیار پسندیده است. در چنین وحدتی، احترام به آرا، رعایت ملاحظات عاطفی و مذهبی و معذوردانستن دیگران، جایگزین تکفیر، تفسیق، سوءتفاهم، بی‌صبری، اهانت و داوری‌های احساسی و نابجا می‌شود.

در وحدت مطلوب اسلامی، نه جایی برای تخریب احساسات و نابودی اجباری باورهای مذهبی دیگر گروه‌ها وجود دارد و نه سخن از تذویب و ادغام یک مذهب در مذهب دیگر یا نزدیک‌کردن آنها به‌صورت قهری یا ابزارهایی غیر از گفت‌وگو به‌میان می‌آید. در عین حال، وحدت به‌معنای آن نیست که هیچ سخنی گفته نشود یا نقد و گفت‌وگوی علمی کنار گذاشته شود. نه اهانت مطلوب است و نه تعطیل گفت‌وگو.

چون وحدت مطلوب حاصل آید، محترمانه در کنار یکدیگر می‌نشینیم و با دوستی و گفت‌وگوی علمی سخن می‌گوییم. آنچه حق است برای مردم تبیین می‌شود و مردم خود برمی‌گزینند. دیگران نیز می‌توانند انتخاب نکنند و الزامی در این باره وجود ندارد اما مسأله این است که آیا طرف مقابل حاضر است وضعیت را به چنین گفت‌وگویی برساند یا نه؛ و اگر نه، انگیزه او از وحدت آشکار می‌شود.

برای نمونه، قرضاوی درباره وحدت با شیعیان گفته بود نه ما مبلغ بفرستیم و نه آنان اما در عمل، ده‌ها شبکه وهابی به عربی، فارسی و دیگر زبان‌ها شکل گرفت و کتاب‌های ضدشیعی منتشر شد. سپس پس از چند سال اعلام شد که هدف از وحدت آن بوده است که سخن شیعه به مردم نرسد. پس باید توجه داشت آنچه به‌نام وحدت مطرح می‌شود، هرچند به‌معنای تذویب و ادغام مذاهب نیست اما مستلزم آن است که مهربانی، متانت و گفت‌وگو امکان تحقق یابد. آیا طرف مقابل حاضر به پذیرش چنین وضعیتی هست یا نه؟

البته ما معتقدیم حتی اگر طرف مقابل حاضر به پذیرش چنین وضعیتی نباشد، باز هم وحدت ضرورت دارد. زیرا گسست اجتماعی نباید پدید آید چراکه نظام از میان می‌رود. اگر در داخل گسست و فتنه ایجاد شود، دشمن ضربه می‌زند و هیچ‌کس باقی نمی‌ماند. پس باید دقت کنیم: وحدت مطلوب وحدتی است که در آن می‌توان حقایق را گفت. آری، درست است اما اگر این وحدت مطلوب تحقق نیابد چه؟ ما وحدت را براساس ملاک اعلی می‌سنجیم؛ و ملاک اعلی همان حفظ نظام هدایتگری و حبل‌الله است. این معیار، قرآنی است. بنابراین اگر در جایی حبل‌الله با تلاش برای رفتن به‌سمت گفت‌وگو و امتناع طرف مقابل در معرض نابودی یا ضربه قرار گیرد، چه باید کرد؟ در اینجا طبیعی است که باید مدارا یا عقب‌نشینی کنیم.

در سیره امیرالمومنین(ع) نیز چنین است: وقتی همسر او بانوی اول عالم هستی به شهادت رسید نه‌تنها اجازه سخن‌گفتن و دفاع از حق به او داده نشد بلکه خانواده‌اش تهدید به قتل شدند و در نهایت همسرش به شهادت رسید. با این‌همه، امیرالمومنین(ع) حفظ وحدت را برگزید. چون هدف در آنجا حفظ نظام هدایتگری امت بود تا امت باقی بماند و در پرتو حفظ این نظام، هدایت شود؛ حتی اگر تحقق آن به زمانی درازتر نیاز داشته باشد.

بنابراین وحدت اسلامی را نباید تنها به‌معنای سکوت، چشم‌پوشی از حقایق یا ادغام قهری مذاهب در یکدیگر فهم کرد. وحدت مطلوب، وحدتی است که در آن می‌توان با حفظ معتقدات، با ادب و متانت گفت‌وگو کرد، حقایق را بیان کرد و از توهین و تکفیر و تخریب پرهیز نمود اما در سطحی بالاتر، ملاک نهایی، صیانت از حبل‌الله، حفظ نظام هدایتگری و جلوگیری از گسست امت است.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید